



اسماعیل رزم آسا

روزنامه نگار و پژوهشگر تاریخ مطبوعات

آن‌هایی که به غلط می‌گویند:

دکتر مصدق تابعیت سوئیسی داشته، چه ماموریتی دارند؟!

که بی‌هیچ جرم و جنایتی به طرز فجیعی به قتل رسیده‌اند، حضور می‌یابند و از آن‌ها یاد می‌کنند، نفی ارادت و علاقه‌شان به بزرگان دین‌شان نیست. من در تعجبم که با وجود این همه اهل علم در قم، یکی به این آقا اعتراض نکرده که چرا چنین مقایسه‌ی می‌کنی؟! و اما در مورد سوال دیگر این آقا که به موضوع تابعیت سوئیسی دکتر مصدق اشاره کرده، باید بگویم:

مرحوم دکتر مصدق همواره علاقه‌مند بوده که بعد از پایان تحصیلات به ایران بازگردد و به وطن خود خدمت کند. **کیهان فرهنگی** به نقل از کتاب **مصدق و مسائل حقوق و سیاست**، تالیف ایرج افشار در سال شمار زندگی دکتر مصدق، می‌نویسد: «من همیشه در این فکر بودم اگر روزی نتوانم در ایران به‌وطن خود خدمت کنم، محل اقامت خود را سوئیس قرار بدهم و از همین لحاظ در آن جا کارآموزی کرده، تصدیق‌نامه‌ی وکالت گرفتم و چون استفاده از این شغل موکول به تحصیل تابعیت بود، درخواست تابعیت نمودم» (ابتدا سه سال اقامت کافی بود...)

در مورد این‌که نوشته‌اید: «از دکتر مصدق بت ساخته‌اید» باید گفت که این هم مانند مطالب دیگر شماس‌ت که چنین تصور غلطی دارید. زیرا نه کسی از مصدق بت ساخته و نه آن مرحوم راضی به این موضوع بوده است. برای اثبات این ادعا به نقل نامه‌ی که در تاریخ ۳۱ تیرماه ۱۳۶۹ مرحوم آیت‌الله پسندیده برادر بزرگوار امام خمینی (ره) خطاب به مرحوم دکتر جلال غنی‌زاده، مدیر نشریه‌ی **افتخارات ملی** مرقوم داشته، می‌پردازم و تصویر تمامی آن را در این‌جا می‌آورم و به یادتان باشد که احترام و یاد خیر از خدمتگزاران را بت‌سازی تلقی نکنید.

«... چون در نشریه‌ی جناب‌عالی مربوط به مرحوم دکتر مصدق و نخست‌وزیری ایشان مطلب برجسته‌ی منتشر می‌شود و اخیراً در کتابی راجع به ایشان بعضی عناوین نامناسب مذهبی و عدم وابستگی (به مذهب) نوشته شده است، چون برخلاف واقع است، تصدیق می‌دهم. مرحوم دکتر مصدق مقید به اسلام، تشیع و مملکت بود و در وصیت ایشان که یک نسخه نزد این‌جانب است، علاقه‌مندی به اسلام کاملاً روشن و آشکار است و برای ایشان به‌وسیله‌ی حضرت آیت‌الله طالقانی مرحوم دو حج یکی میقاتی یکی بلدی استیجار گردیده است. اشتباه نویسندگان محرز می‌شود.

مشارالیه علاقه به اسلام، تشیع، مملکت، مردم و آزادی داشته و عمل می‌نمودند و حتا جداً از عکس بزرگ خود که آقای نصرت‌الله‌خان امینی (شهردار وقت تهران) گرفته بود از انتشارش جلوگیری کردند و از مجسمه که قصد داشتند تهیه کنند، ممانعت کردند و گفتند: از من بت نسازید. مشارالیه، یگانه مردی لایق و خدمت‌گزار بود و کاملاً در جریان امور بودند، علیه‌الرحمه ماجور باشند و السلام علیکم. سیدمرتضی پسندیده خمینی - امضاء».

□ فشار زندگی آن‌چنان عرصه را بر اکثریت قریب به اتفاق مردم تنگ کرده است که دیگر به همه چیز بی‌اعتنا شده‌اند و اگر اشتباهی هم در مسائل تاریخی می‌بینند، با بی‌اعتنایی از کنار آن می‌گذرند و خود را وارد این‌گونه مباحث نمی‌کنند، چراکه گرفتاری‌های زندگی مجال ورود به این مسائل را به آنان نمی‌دهد.

فقط عده‌ی انگشت‌شماری‌اند که تحمل شنیدن مسائل خلاف حقیقت را ندارند. لذا این‌جا و آن‌جا زبان به شکوه می‌گشایند به تشریح وقایع می‌پردازند و مانع تحریف حقایق تاریخی می‌شوند.

آقایی از قم در شماره‌های ۲۰ و ۲۲ مجله‌ی **حافظ** ایراد گرفته که: «چرا به‌جای گزارش حضور صدها هزار نفر در مزارات متبرکه مثل مشهد، قم، جمکران و حضرت عبدالعظیم به گزارش گردهمایی‌های کوچک در تولد و درگذشت مصدق در احمدآباد یا سالگرد دکتر فاطمی و داریوش فروهر اولویت می‌دهید و بعد هم سوال دیگری مطرح کرده و پاسخ آن را خواسته که: «چرا دکتر مصدق، اگر این همه متعهد و ملتزم به رعایت قانون بود و تابعیت سوئیسی گرفت و بدتر از همه چرا با داشتن تابعیت مضاعف بعد از شهریور ۱۳۲۰ نماینده‌ی مجلس و نخست‌وزیر شد، قوانین مملکتی کسانی را که تابعیت خارجی گرفته، بلکه همسر غیرایرانی داشته باشند، صالح به داشتن چنین مقاماتی نمی‌شناسد. حالا شما مصدقی‌ها که از وی بت ساخته‌اید جواب بدهید؟» (ص ۱۰۳ و ۱۰۴ شماره‌ی ۲۰ مجله‌ی **حافظ**)

آقای دیگری هم در کرمان از مریدان دکتر بقایی، در روزنامه‌ی **بیداری** به همین موضوع اشاره کرده و یکه به قاضی رفته.

متأسفانه بعضی‌ها که فقط می‌خواهند نیشی بزنند، بدون مطالعه هر چه به ذهنشان می‌رسد، می‌نویسند و مردم هم به سبب گرفتاری‌های روزمره‌ی زندگی حوصله‌ی که جواب بدهند ندارند.

این آقا در قم و آن آقا در کرمان که خود را تربیت‌یافته‌ی مکتب حزب زحمتکشان دکتر بقایی می‌داند، اگر اهل مطالعه می‌بودند، هرگز چنین مطلبی نمی‌نوشتند.

اولاً، مقایسه‌ی دکتر مصدق با پیشوایان دینی مقایسه‌ی درستی نیست. اگر دکتر مصدق در قید حیات می‌بود خودش می‌گفت: «من خاک پای آن‌ها هم نمی‌شوم، چرا نام مرا در ردیف نام آن‌ها می‌آوری؟»

ثانیاً، توجه به ائمه‌ی طاهرين به قصد ارادت به آن‌ها از مختصات شیعه است که در بارگاه آن‌ها حضور می‌یابند و ضمن عرض ارادت به آستان مبارک آنان از پیشگاه‌شان برای خدمتگزاران و وطنشان آرزوی سلامتی و توفیق می‌کنند و برای امور دنیا و آخرت خود استمداد می‌طلبند و این هرگز به این معنا نیست که اگر گه‌گاهی و به‌مناسبتی بر مزار کسانی مانند مرحوم دکتر مصدق و یا شهید دکتر سیدحسین فاطمی که روزی در این مملکت منشا خدمتی شده‌اند و مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند و یا کسانی مانند فروهرها